

واضعان خشونت!

مصاحبه اخیر خبرآنلاین با «عباس عبدی» در رابطه با نتیجه انتخابات مجلس، صرفنظر از محتوا از منظر پاتالوژیک شاخصی از کژراهه «خویش‌بیش‌بینی» و «متفرعانه‌ای» است که تالی فاسد اصلاحات و اصلاح‌طلبان در ایران شد و این جنبش بالنده را به غمزه مسئله‌آموز صد متکبر کرد!

عبدی در این مصاحبه و در پاسخ به توفیق جذب آرای خاکستری توسط اصولگرایان در انتخابات اسفند گذشته می‌گوید:

رای اصولگرایان رأی خاکستری نبود، رأی خاک بر سر بود(!) آخر در تهران با حدود ۲۲ درصد مشارکت چه چیزی را باید پیروزی نامید؟ و اگر کسی این موضوع ساده را متوجه نشود باید معلولیت فکری برای او در نظر گرفت(!)

هر چند اظهارات عبدی طعنه به رقابتی نبودن انتخابات است اما فلتات زبانش قرینه شعاری است که از عمق تنفر و تفرعن در فردای پیروزی حسن روحانی توسط پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان در سطح شهر و با این مضمون ابراز شد:

بدون هیچ دلیلی - خاک تو سر جلیلی(!)

اصلاح‌طلبی با چنین خوانشی مبنای زایش و پردازش و گدازش عنصر خشونت است که تصادفاً اصلاحات خود را نافی آن معرفی می‌کرد و اکنون همان اصلاحیون با چنین انانیتی خواسته یا ناخواسته دامن زننده حلقه بسته خشونت جدلی‌الطرفینی در زمین رقابت‌های سیاسی ایران شده‌اند. در ۸۸ نیز همین آزموده مبنای جنگی مغلوبه بین طرفین شد و آنموقع نوشتم و اکنون نیز بازنوشت می‌کنم:

خشونت در موسع‌ترین تعریف ناظر بر قول یا فعلی است که توسط آن عنصر خشونت‌ورز «عواطف یا جوارح» فرد یا افراد را مورد جراحت قرار می‌دهد. بر مبنای این تعریف با «مشت و لگد و چماق» بینی کسی را شکستن همان قدر خشونت است که با «فحش و متلک و ناسزا» روح و روان و عواطف و احساسات و شخصیت کسی را خوار و تحقیر و تخفیف کردن!

خشونت‌ورزی از طریق جریحه‌دار کردن روحیات رقیب و هل دادن ایشان به تنگنای واکنش، هم‌تراز با تعریف خشونت و بالتبع بازتولید خشونت در سیکل بسته و هم افزای تحقیر و زنجیراست. خشونت امری خلق‌الساعه نیست تا در خلاء بجوشد و برای اعمال خشونت ابتدا باید تولید نفرت کرد تا به اقتضای آن بتوان غول خشونت را از بطری خارج کرد!

#عباس_عبدی

#اصلاحات

#انتخابات_مجلس

#اصولگرایان

#خشونت